

# «هزارستان» در «ضیافت شیطان»

تکاهی به دو نمایش «هزارستان» و «ضیافت شیطان»

◆ اصغر دشتی

فصله

است و بازی سازی کولیان.

همین که رسانه عوض می‌شوده ارار پیام‌رسانی نیز به تبع آن تغییر می‌کند. رسانهٔ مکتوب و منظوم «الهی‌نامه» وقتی به رسانهٔ دیواری تئاتر تبدیل می‌شود، بازی‌های دیگرگون به کار می‌آید.

«ضیافت شیطان» گریز داده به امروز. زمان تاریخی اصل اثر (الهی‌نامه) را می‌شکند، موقعیت را به اکنون نزدیک‌تر می‌کند و بهانه بازی سازی را هرچند که همچون هزار و یک شب است با کنونی‌تر می‌کند. ارتباط موجود مخاطب و اثر نیز، به همین اکنون شکل گرفته مرتبط است.

«هزارستان»

«هزارستان» همان هزاربایانی هستند که اگر شبانگاهان که خفته‌اید در گوش شما بفتند، می‌خورند مغزتان را تا ریشه. خالق «هزارستان» معلوم است که مغزش را خورده‌اند هزاربایان هزاردست... معاصر می‌نویسد: «این خالق یعنی خالق هزارستان».

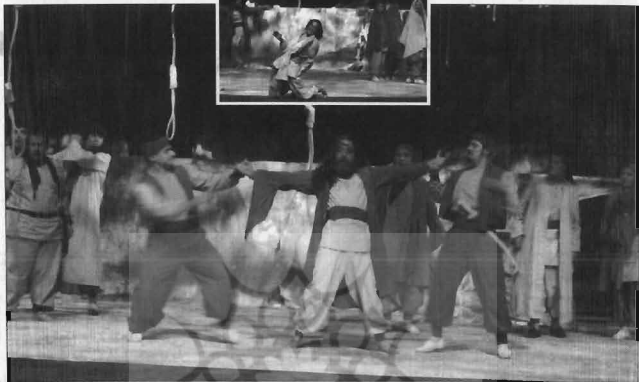
معاصر و اما نه زیر کانه شفاف و زردی می‌نویسد: برای آنها که می‌خواهند ببینند و بشنوند و همین امر که گناه هم نیست، اثر رازگ گو می‌کند. اثر، نقطه پنهان محتوایی کم دارد اما نقطه پنهان دراماتیک بسیار. و همان پنهان‌ها است که «تعلیق» را به عنوان عنصر اصلی اثر و نقطه

نام نمایش: ضیافت شیطان/هزارستان  
نویسنده: امیردژ آکام/نهرداد ایرانی مخصوص  
کارگردان: امیردژ آکام/نهرداد ایرانی مخصوص

«ضیافت شیطان»

«ضیافت شیطان» یک کولاز است. کولاز از حکایاتی فرعی فرار گرفته در دل یک حکایت اصلی. پس کولاز «ضیافت شیطان» همان کولاز عطار بنابوری است در «الهی‌نامه». عطار هم چنین می‌کند، دهها حکایت کوچک و بزرگ را به هم می‌چسبند و آن قدر حکایات را زیاد می‌کند که گاهی یادمان می‌رود حکایت اصلی چه بود، باز به حکایت اصلی تلنگری می‌زند و باز هم جیدمان حکایات فرعی. حکایات فرعی که هریک خودشان اصلی هستند. سگم.

نقطهٔ قوت «ضیافت شیطان» همین است. خالق «ضیافت شیطان» بر اساس یک الگوی من درآوردی به سراغ اثر نمی‌رود. او الگویی را از منبع الهام «الهی‌نامه» می‌گیرد و به سبب ساختار تو در توی موجود در «الهی‌نامه»، اثر نوشتاری و همچنین اثر اجرایی مناسب با آن خلق می‌کند. در «الهی‌نامه» این الگو و رمز ورود به ساختار تو در تو و حکایات فرعی، نصیحت است و گفتمان در «ضیافت شیطان» رمز ورود بازی



نقد فصد

ارائه می کند، و اگر دنبال کیم آنها را، می توانیم حدس بزنیم، سمت و سوی وانگیزه آدم هایش کدامند؟  
«هزارستان» قلم خالقش را در زبان و چیدمان واژگان این عصر به رخ می کشد. چیدمان واژگان آدم های نمایش پر است از گوشه و کنایه. هر چند شبیه به هم، ولی این شباهت از شباهت امروز دایره واژگان جمله اکتون می آید. ■

قوت اثر در جهت اثبات توانایی درام نویس به کار می گیرد. خالق «هزارستان» بر پیچ و خم می نویسد. هر چند پیچ و خم های او در بسعت تنگ اثر دست و پامی زند، ولی همین ها هستند که رمان اندک تر را با خیرگی مخاطب نا پایان می رسانند. «هزارستان» در گشایش انگیزه های آدم هایش در اعمال و رفتار اصلی اثر، حساست به خرج می دهد. بند کیسه را شل نمی کند تا ما بدانیم همه چراها را، اما نشانه

موسسه علمی و فرهنگی  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رساله جامع علوم انسانی